



دانشگاه قرآن و حدیث
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

پایان نامه کارشناسی ارشد
رشته الهیات
گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی

مبانی ضرورت احراز صلاحیت داوطلبان توسط شورای نگهبان

استاد راهنما:

حجه الاسلام و المسلمین دکتر حسام الدین ربانی

استاد مشاور:

دکتر ابراهیم شفیعی سروسستانی

دانشجو:

محمد مهدی زائری

تابستان ۱۳۹۵

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«تمام حقوق این اثر متعلق به دانشکده علوم حدیث است»

تقدیم به واسطه‌ی اتصال عالم غیب و شهود، قطب عالم امکان صاحب العصر و الزمان

حضرت مهدی (ع) صاحب این انقلاب و نظام مقدس اسلامی؛

معمار کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی 1؛

شهیدان راه حقیقت از صدر اسلام تا امروز؛

و تمامی آنانی که آرزومند برقراری نظام اسلامی و زمینه سازی اتصال آن به انقلاب

جهانی مهدی موعود (ع) بوده‌اند.

سپاس‌گزاری

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يَبْلُغُ مِدْحَتَهُ الْقَائِلُونَ وَلَا يُحْصِي نِعْمَاءَهُ الْعَادُونَ وَلَا يُؤَدِّي حَقَّهُ الْمُجْتَهِدُونَ

خداوند متعال را شاکرم که عنایت فرمود تا این رساله با اندک بضاعت نگارنده به سرانجام برسد و این مهم با همت بزرگوارانی تحقق یافت که هر چند حق ایشان با این الفاظ ادا نمی‌شود لکن وظیفه‌ی خود می‌دانم که از الطاف ایشان خصوصاً سروران ارجمند آقایان دکتر ابراهیم شفیعی سروسستانی و حجه الاسلام و المسلمین دکتر حسام الدین ربانی به جهت همراهی و مساعدت دائم ایشان با نگارنده در مراحل مختلف از طرح موضوع تا مراحل اجرایی و اداری تدوین پایان نامه سپاس‌گزاری نمایم.

چکیده

در اصل اول قانون اساسی آمده است: "حکومت ایران، جمهوری اسلامی است". در اصل دوم، اسلامیت و پایه‌های ایمانی این نظام مقدس را که ناشی از اراده و حاکمیت الهی است بر می‌شمارد و در اصل ششم به جمهوریت نظام پرداخته و اشعار می‌دارد: "در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به اتکای آرا عمومی اداره شود از راه انتخابات، انتخاب رئیس جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی و..." و در اصل نود و نهم قانون اساسی آمده است: "شورای نگهبان نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و مراجعه به آرای عمومی و همه پرسی را برعهده دارد". ماده ۳ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی نیز نظارت شورای نگهبان را استصوابی بر می‌شمارد: "این نظارت استصوابی و عام و در تمام مراحل در کلیه امور مربوط به انتخابات جاری است."

بر اساس مبانی فوق در هر دوره از انتخابات و به عنوان بخشی از وظیفه نظارتی، شورای نگهبان به بررسی صلاحیت داوطلبان هر یک از انتخابات می‌پردازد. در دوره‌های اخیر با تأکید مقام معظم رهبری بر ضرورت احراز صلاحیت داوطلبان ورود به عرصه انتخابات، این موضوع به صورتی جدی‌تر مطرح شده است. به این معنا که داوطلبان نه تنها باید واجد شرایط باشند بلکه باید از شرایط سلبی و مانع نیز بری بوده و صاحب صلاحیت بودن ایشان متناسب با مأموریت محوله و دامنه مسئولیت نیز باید احراز گردد.

در این پایان نامه، موضوع "مبانی ضرورت احراز صلاحیت داوطلبان توسط شورای نگهبان" عمدتاً با مراجعه به کتب و منابع کتابخانه‌ای و در پاره‌ای از موارد با مصاحبه و مشورت با افراد خبره بررسی شده، نظرات دیگر و دیدگاه‌های مخالف نقد و نهایتاً بر اساس مبانی فقهی و حقوقی، ضرورت احراز صلاحیت داوطلبان ثابت شده است و بر همین اساس و با استمداد مبانی عقلی، لزوم استمرار و دوام صلاحیت‌های احراز شده تا پایان دوره مأموریت نیز مورد توجه قرار گرفته است.

کلمات کلیدی:

احراز، صلاحیت، داوطلبان، شورای نگهبان

فهرست مطالب

۱	مقدمه.....
۳	۱. فصل اول: کلیات و مفاهیم.....
۴	۱,۱ کلیات
۴	۱,۱,۱ بیان مسئله تحقیق
۴	۱,۱,۲ ضرورت و اهداف
۵	۱,۱,۳ سؤالات تحقیق.....
۵	۱,۱,۴ فرضیات تحقیق
۵	۱,۱,۵ پیشینه تحقیق
۶	۱,۲ مفهوم شناسی
۶	۱,۲,۱ واژگان اصلی موضوع
۶	۱,۲,۱,۱ احراز
۶	۱,۲,۱,۲ صلاحیت
۷	۱,۲,۲ کلمات مرتبط
۷	۱,۲,۲,۱ مبانی
۸	۱,۲,۲,۲ ضرورت
۹	۱,۲,۲,۳ ادواطلب
۱۰	۱,۳ پیشینه بحث
۱۰	۱,۳,۱ عوامل القاء تشکیک «احراز صلاحیت»
۱۱	۱,۳,۲ پیشینه احراز صلاحیت
۱۸	۱,۴ دیدگاه ها
۱۹	۲. فصل دوم: نظام اسلامی.....
۱۹	۲,۱ ضرورت تشکیل حکومت

۲۱ جایگاه نظام اسلامی
۲۳ نظام اسلامی، امانتی الهی
۲۴
۲۹ وجوب حفظ نظام اسلامی
۳۲ نظام اسلامی ایران
۳۳ ۲,۵,۱ نهاد‌های حاکمیتی نظام اسلامی ایران
۳۴ ۲,۵,۱,۱ ولایت فقیه و رهبری
۳۶ ۲,۵,۱,۲ قوه مقننه
۳۶ ۲,۵,۱,۳ قوه مجریه
۳۷ ۲,۵,۱,۴ قوه قضائیه
۳۷ ۲,۵,۱,۵ شورای نگهبان
۴۱ ۲,۵,۱,۵,۱ وظایف شورای نگهبان
۴۴ ۲,۵,۱,۵,۱,۱ بررسی صلاحیت داوطلبان
۴۷ فصل سوم: مبانی احراز صلاحیت
۴۷ ۳,۱ مبانی عقلی احراز صلاحیت
۴۹ ۳,۱,۱ بدوی یا استمراری بودن ضرورت احراز صلاحیت داوطلبان
۵۲ ۳,۱,۲ صفات لازم برای داوطلبان بر اساس عقل
۵۳ ۳,۱,۲,۱ اوصاف لازمه برای قانونگذار (نمایندگان مجلس):
۵۳ ۳,۱,۲,۲ اوصاف لازمه برای مجری قانون (رئیس جمهور):
۵۶ ۳,۱,۳ گزینه مناسب برای تصدی احراز صلاحیت
۵۶ ۳,۱,۴ پاسخ به برخی از شبهات
۵۶ ۳,۱,۴,۱ نسبت قاعده «منع تفتیش عقاید» با بررسی صلاحیت داوطلبان
۶۰ ۳,۱,۴,۲ جایگاه اصل برائت در بررسی صلاحیت داوطلبان
۶۴ ۳,۲ مبانی فقهی احراز صلاحیت
۶۴ ۳,۲,۱ احراز امانتداری
۷۵ ۳,۲,۲ احراز شرط
۷۷ ۳,۳ مبانی حقوقی احراز صلاحیت
۷۸ ۳,۳,۱ تصریحات قانون اساسی

۷۹ تأکيدات مقام معظم رهبری
۸۱ بررسی شرایط داوطلبان
۸۱ بررسی شرایط داوطلبین ریاست جمهوری:
۹۰ بررسی شرایط داوطلبین خبرگان رهبری:
۹۳ بررسی شرایط داوطلبین مجلس شورای اسلامی:
۹۵ فصل چهارم: حق اعتراض داوطلبان و مرجع رسیدگی
۹۹ جمع بندی و پیشنهادات
۱۰۳ منابع
۱۰۳ الف) کتاب
۱۰۸ ب) مجلات، سایتها

مقدمه

در نظام جمهوری اسلامی ایران که نظامی مردم سالار و مبتنی بر آموزه‌ها و باورهای دینی است، برای آن که رکن جمهوریت برقرار بماند و مردم سالاری تبلور و عینیت یابد، راهکار انتخابات صحیح‌ترین راهکاری بوده که قانونگذار در نظر گرفته است. لازمه‌ی تحقق انتخابات نیز وجود افرادی به عنوان داوطلب است که انتخاب مردم از بین ایشان صورت گیرد.

سوال اینجاست که آیا این عرصه برای جولان همگان باز است و هر کس با هر ممشاء، مسلک، دیدگاه، اعتقاد و با هر نیت و قصدی می‌تواند در معرض انتخاب قرار گیرد؟ قانون نیز این دغدغه را داشته و این سوال را پاسخ گفته و شروطی را برای داوطلبان حضور در هر یک از انتخابات در نظر گرفته است. تا این نقطه نیز اختلافی وجود ندارد. بحث از چگونگی یافتن شروط قانونی در مصادیق آن آغاز می‌شود؛ یعنی دقیقاً آنجا که گروهی قائل به ضرورت إحراز شرایط مصرح قانون در داوطلبان می‌شوند و عده‌ای اعتقاد به عدم ضرورت چنین مطلبی پیدا می‌کنند و می‌گویند همین که نقض مواد قانونی را ندیدیم پس داوطلب را دارای شرایط می‌دانیم. یعنی صرف این که دلیلی را بر خلاف شرط نیافتیم کفایت می‌کند و نیازی به إحراز شرط نیست. به زبانی دیگر، گروهی قائل به اصاله الإحراز می‌شوند و عده‌ای به اصاله عدم الإحراز نظر می‌دهند.

بنده در این پایان نامه به دنبال ذکر مبانی ضرورت إحراز صلاحیت داوطلبان برای اثبات مدعای گروه اول هستیم و در این راه به عقل، شرع و قانون مراجعه کرده و صدق این مدعا را نتیجه گرفته‌ام.

بر اساس جستجویی که در خصوص این رساله انجام داده‌ام کتابی را به صورت مستقل نیافته و مقالاتی که در این خصوص نگارش یافته عمدتاً در محدوده‌ی قانون و شرع به موضوع پرداخته و جنبه‌های ضرورت عقلی إحراز صلاحیت داوطلبان را به صورت مندرج در متن حاضر، در هیچ یک از متون نیافتیم.

در این رساله پس از بیان کلیات و مفاهیم و مواردی که پیشینه‌ی بحث را تشکیل می‌دهد به مبحث حکومت اسلامی وارد شده و فصلی مستقل را به آن اختصاص داده‌ام. این کار از آن جهت صورت گرفته که اهمیت حکومت اسلامی و ضرورت حفظ نظام و جامعه‌ی اسلامی که ثمره‌ی دعوت انبیا و اولیای الهی از آغاز تا خاتم پیامبران (:) و ثمره‌ی خون پاکان و شهدای راه حقیقت و حاصل تلاش مجاهدان بسیاری در طول تاریخ است، آنچنان با عظمت و

بزرگ است که مصلح بزرگ تاریخ معاصر حضرت امام خمینی (۱) حفظ آن را از اوجب واجبات ذکر فرموده‌اند و این یعنی حفظ نظام از نماز و سایر فرائض نیز اهمیت بیشتری دارد. از اینجا ضرورت بحث و ضرورت احراز شرایط کارگزاری که چنین امانت با عظمتی به آنان سپرده می‌شود معلوم می‌گردد.

سپس به بیان نهادهای حاکمیتی و چهارچوب نظام الهی در عصر معاصر پرداخته و از این زاویه نیز به ضرورت طرح بحث و وجوب عمل به آنچه در پی اثبات آن هستیم توجه می‌دهم و در انتها نیز به اثبات ضرورت احراز صلاحیت داوطلبان از دیدگاه عقل، شرع و قانون می‌پردازم.

امید آن که این تلاش مرّضی رضای حضرت حق جلّ و علا و اولیای معصومین (:) و صاحب اصلی این انقلاب

حضرت ولی عصر (ع) قرار گیرد.

لازم می‌دانم مراتب سپاس خود را از صاحبان اندیشه و قلم، فضایی که میراث گرانبهای ایشان در قالب کتاب، مقاله و سایر اشکال در اختیار ما قرار گرفته و از گردآوری مطالب تا استنتاج یاور و مددکار این اثر بوده است، ابراز داشته و برای همگان آرزوی توفیق و برای رفتگان از این دیار رحمت و غفران الهی مسئلت نمایم.

«و آخرُ دعوانا أن الحمد لله ربّ العالمین
و صلّی الله علی سیدنا محمد و آله الطاهیرین»

۱. فصل اول: کلیات و مفاهیم

در این فصل به کلیات، مفاهیم و مقدماتی می‌پردازیم که ما را به مبانی ضرورت إحراز صلاحیت داوطلبان توسط شورای نگهبان رهنمون می‌شود، این مقدمات عبارتند از:

الف) بیان مسأله، اهمیت و ضرورت، سوالات تحقیق، فرضیات تحقیق، پیشینه تحقیق

ب) مفهوم شناسی (بررسی لغوی و اصطلاحی مفاهیم: مبانی، ضرورت، إحراز، صلاحیت و داوطلب در

میان لغت شناسان)

پس از پرداختن به مقدمات مورد نیاز برای آغاز بررسی مبانی ضرورت إحراز صلاحیت، به مقدمه‌ی

دیگری با عنوان «پیشینه‌ی بحث» می‌پردازیم.

در این بخش به عناوینی چون نقش مردم در حکومت اسلامی از زمان پیامبر اکرم (۹) تا زمان غیبت،

نهضت مشروطه در ایران، علل و عوامل سرنوشت نافرجام آن نهضت و ضرورت عبرت‌گیری از آن اشاره خواهیم

داشت و در پایان مختصراً به معرفی دیدگاه‌های مطرح در مبانی إحراز صلاحیت داوطلبان می‌پردازیم.

امید است که با طرح این مقدمات تا حدودی مسیری هموار برای إحراز صلاحیت داوطلبان توسط شورای

نگهبان و پذیرش آن ترسیم کرده باشیم، إن شاء الله.

۱,۱ کلیات

۱,۱,۱ بیان مسئله تحقیق

مسئله بسیار مهمی که از دیرباز مورد عنایت و محل بحث صاحب نظران سیاسی و حقوقی بوده این است که آیا شورای نگهبان باید اصل را بر ذی صلاح بودن داوطلبان بگذارد که در صورت نیافتن قبح، حکم به صلاحیت آن‌ها بدهد یا این که باید اصل را بر عدم صلاحیت بگذارد و تنها در صورتی که دلیل کافی و قطعی بر صلاحیت فرد یافت شود حکم به صلاحیت دهد و در صورت نیافتن دلیل کافی بر صلاحیت، حکم به عدم احراز دهد (هرچند مورد قحی هم یافت نشود). در این پایان نامه برآنیم که مبانی نظردوم که اصل را بر عدم صلاحیت قرار می‌دهد مگر آن که صلاحیت احراز شود، مورد بررسی قرار داده و در نهایت آن را با مدد ادله موجود در منابع فقهی و حقوقی اثبات نمایم.

۱,۱,۲ ضرورت و اهداف

نظر به حجمه‌های بسیاری که هرروز با قالبی جدید و عنوانی فریبنده اعم از کرامت انسان، تحدید آزادی‌های فردی و اجتماعی، سلب اختیار افراد و خود را قیم ایشان دانستن و ... گرفته تا ایرادهایی که با ظاهر فقهی و حقوقی به عملکرد شورای نگهبان، خصوصاً در بحث بررسی صلاحیت داوطلبان انتخابات شکل می‌گیرد، (هرچند اعضای محترم شورای نگهبان در انجام وظایف خود توجهی به این حجمه‌ها ندارند) وظیفه دانستم با تشریح وظایف و اختیارات شورای نگهبان در بحث بررسی صلاحیت داوطلبان انتخابات از یک سو و تبیین اهمیت انجام این وظیفه خطیر، دل‌های پاک و وجدان‌های بیدار را از آثار مخرب این حجمه‌ها و فضا سازی‌ها دور نگاه دارم. مقام معظم رهبری می‌فرمایند:

«شورای نگهبان یک صافی است برای آن که نگذارد ناخالصی وارد ارکان نظام بشود. این

چیزی نیست که هیچ منصفی بتواند آن را بد بشمارد.»^۱

رساله‌ی حاضر تبیین این مهم با ابزار مستدل علمی و براهین منطبق با واقعیات، با هدف زدودن ابهام و کنار زدن ابرهای شک و تردید از اذهان افراد منصف جامعه را وجهه همت خود قرار داده است.

۱. مقام معظم رهبری در دیدار اعضای شورای نگهبان در ۱۳۷۹/۰۴/۲۸، پایگاه اینترنتی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (<http://khamenei.ir>).

۱,۱,۳ سؤالات تحقیق

الف) سؤال اصلی: مبانی ضرورت إحراز صلاحیت داوطلبان توسط شورای نگهبان چیست؟

ب) سؤال فرعی: ۱- ضرورت إحراز صلاحیت داوطلبان ضرورتی بدوی است یا استمراری؟

۲- آیا برای داوطلبان رد صلاحیت شده حق قانونی برای شکایت وجود دارد؟

۳- در صورت وجود حق شکایت مرجع رسیدگی کننده به این شکایت کیست؟

۱,۱,۴ فرضیات تحقیق

هر چند این پایان نامه رویکرد اکتشافی دارد اما می‌توان ضرورت احراز صلاحیت داوطلبان توسط شورای نگهبان را دارای مبانی فقهی و حقوقی دانست.

۱,۱,۵ پیشینه تحقیق

در خصوص موضوع این رساله با رویکرد حاضر که رویکردی عقلی، فقهی و حقوقی در پاسخ به پرسش‌های اصلی و فرعی خود دارد مقاله، پایان نامه یا کتابی را مشاهده ننموده‌ام، لیکن با رویکردهایی نزدیک به موضوع و البته به صورت مجزا مقالاتی را مطالعه نمودم که از آن جمله است: مقاله "مبانی حقوقی ضرورت إحراز صلاحیت" از آقای محمد بهادری جهرمی، مقاله "تحلیل حقوقی بررسی صلاحیت داوطلبان انتخابات ریاست جمهوری" از آقای ابوالفضل درویشوند، مقاله "نماینده‌گی مجلس: اصل برائت یا إحراز صلاحیت؟" از آقای غلامحسین الهام، مقاله "مبانی حقوقی احراز صلاحیت نمایندگی مجلس" از آقای غلامحسین الهام (ماهنامه ناظر امین، بهمن ۸۲، شماره ۱۲، ص ۱۹)، مقاله "إحراز صلاحیت از دیدگاه قانون و مبانی حقوقی" مندرج در وبگاه دانشجویی فقه و حقوق باهنر کرمان، مقاله "نظارت استصوابی یا استطلاعی" از آقای قدرت اله رحمانی، مقاله "مبانی حقوقی إحراز صلاحیت نامزدی نمایندگی مجلس شورای اسلامی" و یا دیدگاه‌های فقهی مندرج در برخی نشریات از قبیل گفتگوی منتشره در شماره ۷۴ فصلنامه علمی پژوهشی حکومت اسلامی تحت عنوان شورای نگهبان و إحراز صلاحیت داوطلبان خبرگان (گفتگو با آیت الله محمد مؤمن)، مصاحبه ای با همان عنوان با آیت الله احمد جنتی مندرج در سایت دبیرخانه خبرگان و

۱,۲ مفهوم شناسی

۱,۲,۱ واژگان اصلی موضوع

اگر بخواهیم به مفهوم «مبانی ضرورت إحراز صلاحیت داوطلبان توسط شورای نگهبان» پی ببریم و تعریفی روشن و قابل فهم ارائه کنیم باید در ابتدا واژه‌های «مبانی»، «ضرورت»، «إحراز»، «صلاحیت»، «داوطلب» را مورد بررسی لغوی قرار داده و سپس به معنای اصطلاحی و دیدگاه صاحب نظران مراجعه کرده تا به مفهوم این عبارت دست یابیم.

۱,۲,۱,۱ إحراز

«إحراز» مصدر باب «إفعال» از ریشه‌ی لغوی «حرز» به معنای رسیدن به چیزی، به دست آوردن، فراهم آوردن، محرز شدن، دستیابی، کسب می‌باشد^۱ و در این جا به معنای این است که ناظران و مسئولین ذی صلاح، اقدام به تحقیق و بررسی اوصاف و ویژگی‌های یک داوطلب عضویت در مجلس خبرگان، مجلس شورای اسلامی و ریاست جمهوری می‌نمایند تا آن شرایط و اوصاف صلاحیت برای شرکت در انتخابات «إحراز» شود یعنی کسب شود و به صاحب صلاحیت بودن فرد دست یابند.

«البته مراد إحراز علمی یا إحراز شرعی به معنای قیام بی‌نیست، بلکه مراد، إحراز عرفی ناشی از قرائن و امارات است که باید قرائن و اماراتی قائم شود و انسان با یک اطمینان عرفی به این معنا برسد»^۲
در مقابل دیدگاهی وجود دارد که احراز صلاحیت را به احراز عدم معنا می‌کند و احراز را به خودی خود و بالذات دارای شأنت نیست و نیاز به احراز صلاحیت را از نبود قرائن و امارات مخالف کسب می‌کنند.

۱,۲,۱,۲ صلاحیت

«صلاحیت» اسم مصدر از «صَلَحَ» و «صَلَحَ» به معنای شایسته شدن و خوب شدن؛ «صالح» یعنی شایسته، آنچه یا آن که شایسته و خوب است و در آن فساد نیست^۳. «صلاحیت» به معنای شایستگی، درخوری، سزاواری و اهلیت^۴ می‌باشد. از کلمات مترادف آن می‌توان به واژه «لیاقت» اشاره کرد که به معنای شایستگی و اهلیت داشتن است^۵.

۱. رک: علی‌اکبر دهخدا، پیشین، ذیل واژه؛ حسن عمید، پیشین، ذیل واژه؛ فرج الله خداپرستی، پیشین، ص ۳۸.

۲. مقام معظم رهبری در دیدار اعضای شورای نگهبان ۱۳۸۲/۱۰/۲۴، پیشین.

۳. سید علی اکبر قرشی، قاموس قرآن، دار الکتب الإسلامیه، تهران، ۱۳۷۱ ش، ج ۴، ص ۱۴۲.

۴. علی‌اکبر دهخدا، پیشین، ذیل واژه.

۵. رضا مهیار، فرهنگ أبجدی عربی فارسی، نشر اسلامی، تهران، ۱۳۷۵ ش، ص ۷۶۶.

مقصود از تعیین صلاحیت، تعیین شروطی است که داوطلبان باید واجد آن باشند، در حالی که منظور از تشخیص صلاحیت، احراز شرایطی است که قانون گذار یا هر فرد صلاحیت دار دیگر معین کرده و فرد پس از احراز آن شرایط صلاحیت شرکت در دور رقابت‌های انتخاباتی را پیدا می‌کند.^۱

با توجه به موضوع این پایان نامه، محوریت بحث بر «تشخیص صلاحیت» استوار است، چرا که تعیین صلاحیت به عهده‌ی مقام صلاحیت دار و قانون گذار است که از موضوع این بحث خارج است و تشخیص صلاحیت و احراز وجود شرایط مطروحه در قانون برای داوطلبان شرکت در رقابت انتخاباتی به عهده‌ی مجریان و ناظران می‌باشد.^۲

۱،۲،۲ کلمات مرتبط

۱،۲،۲،۱ مبانی

«مبانی» جمع «مبنا» و از ریشه‌ی «بنی» است که در لغت به بنیاد، اساس، پایه و هر چه که با تکیه بر آن بر رویش چیزی^۳ می‌گذارند گفته می‌شود. لغت شناسان این واژه را با کلماتی همچون اصل، قاعده، ضابطه، شالوده مترادف شمرده‌اند.^۴

شاید بتوان گفت که کلمه «مبانی» به تدریج در کاربردهای محققان علوم انسانی به پیش‌فرض‌های کلان، اصول موضوعه‌ی علوم و حتی بر دلایل اثبات یک نظریه اطلاق شده‌است؛ نمونه آن اطلاق مبانی بر علوم همچون تفسیر، فقه، حدیث، حقوق، تاریخ و... می‌باشد مانند مبانی فلسفی یا کلامی فقه یا مبانی اخلاقی حقوق به کار برده شده است.

تا جایی دایره شمول این واژه گسترش پیدا کرده که حتی در مبانی حقوق عمومی گفته شده: «واژه مبنا اندکی گسترده‌تر از معنای فلسفی آن به کار رفته‌است؛ یعنی، تنها بیان کننده دلیل الزام‌ها و منشاء پنهانی تکالیف حقوقی نیست، بلکه به ستون‌های اصلی حقوق عمومی نیز می‌پردازد و در توضیح قلمرو و حاکمیت در آن نمودهای خارجی می‌کوشد»^۵

۱. فرج الله هدایت نیا و محمد هادی کاویانی، بررسی فقهی-حقوقی شورای نگهبان، مرکز نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، ۱۳۸۰ش، ص ۱۸۹.

۲. همان، ص ۱۹۰.

۳. رک: راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، دارالعلم الدار الشامیه، دمشق بیروت، ۱۴۱۲ق، ج ۱ ص ۱۴۷؛ علی اکبر دهخدا، لغت‌نامه دهخدا، دانشگاه تهران، چاپ دوم، تهران، ۱۳۷۷، ذیل واژه.

۴. فرج الله خدایپرستی، فرهنگ جامع واژگان مترادف و متضاد زبان فارسی، دانشنامه فارس، شیراز، ۱۳۷۶ش، ص ۱۱۲۴.

۵. ناصر کاتوزیان، مبانی حقوق عمومی، نشر دادگستر، تهران، چاپ اول، پائیز ۱۳۷۷ ش، ص ۹.

ومراد ما از اصطلاح «مبنا» و «مبانی» در این نوشتار نیز بیان دلایل عقلی، شرعی و حقوقی إحرار صلاحیت داوطلبان می‌باشد تا از این رهگذر و تکیه بر آن پایه‌ها، اصول و قواعد بتوانیم ضرورت موضوع را نیز به اثبات برسانیم.

۱,۲,۲,۲ ضرورت

«ضرورت» یا «ضرورة» به معنای چیزی که به آن احتیاج داشته باشند، نیاز و حاجت معنا شده است^۱، معنای دومی نیز برای این واژه در نظر گرفته شده که «اجبار و الزام» است^۲. اما در اصطلاح اهل منطق و فلسفه، «ضرورت» را به معنای لزوم و انفکاک ناپذیری، نیاز و حاجت یک محمول به یک موضوع می‌دانند. یعنی عقل نمی‌پذیرد که میان دو چیز انفکاک و جدایی باشد. مانند نسبت انسان و حیوان که از نظر عقلی ممتنع است که میان این‌ها انفکاک صورت گیرد یعنی هر انسانی حیوان است بالضروره^۳.

در فلسفه ضرورت را دارای اقسامی می‌دانند: ضرورت اُزلی، ضرورت ذاتی، ضرورت و صفی، ضرورت وقتی، ضرورت به شرط محمول که برای هر یک توضیح مختصری می‌آوریم:

ضرورت اُزلی: گاه ضرورت یک محمول، برای ذات یک موضوع ثابت است بدون هیچ قید و شرطی (حتی قید یا شرط وجود) که در این صورت، ضرورت اُزلی نام دارد.

ضرورت ذاتی: گاه ضرورت یک محمول برای ذات یک موضوع ثابت است به شرط وجود آن موضوع (یعنی در حین موجود بودن موضوع).

ضرورت وصفی: گاه، ضرورت یک محمول برای یک چیز ثابت است به خاطر وصف خاصی که دارد، که در این صورت، ضرورت وصفی نامیده می‌شود.

ضرورت وقتی: اگر ضرورت محمول برای یک چیز، تنها در وقت خاصی ثابت باشد، ضرورت وقتی نامیده می‌شود.

ضرورت به شرط محمول: گاه محمول در موضوع نیز قید می‌شود که در این صورت ضرورت به شرط محمول خواهیم داشت.^۴

۱. ابن منظور، *لسان العرب*، دار الفکر - دار صادر، بیروت، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۴۸۲؛ حسن عمید، فرهنگ عمید، ناشر اشجع، ۱۳۸۹ش، ذیل واژه.

۲. محمد معین، فرهنگ فارسی معین، انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۷۱ش، ذیل واژه؛ فرج الله خدایپرستی، پیشین، ص ۸۱۹.

۳. رک: قاضی عبد النبی احمد نگری، *جامع العلوم فی اصطلاحات الفنون*، بیروت، ۱۹۷۵ م، ج ۲، ص ۲۶۴.

۴. علامه طباطبائی، *نهایة الحکمة*، مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه، قم، ۱۳۹۲، ص ۶۸.

نگرش این پژوهش بر این محور است که بر پایه‌ی ادله‌ی محکم و مستحکم عقلی، فقهی، حقوقی انفکاک ناپذیری عقلی میان شخص داوطلب عضویت در مجلس خبرگان، مجلس شورای اسلامی، ریاست جمهوری و إحراز صلاحیت وی توسط شورای نگهبان را به اثبات رسانیم و بر ضرورت این إحراز صلاحیت ایستادگی کنیم. لذا از میان پنج قسم ضرورت مورد اشاره، ضرورت وصفی را مدنظر قرار می‌دهیم، به این معنا که شخص با و صف داوطلب بودن، إحراز صلاحیت‌اش لازم است، بالضروره الوصفیه یا بالضروره الوقتیه، چرا که بازگشت ضرورت وقتیه نیز به ضرورت وصفیه می‌باشد؛^۱ که در فصول آینده به تفصیل آن اشاره خواهیم کرد.

۳، ۲، ۱ داوطلب

واژه «داوطلب» صفت فاعلی و به معنای خواستار، داوخواه، نامزد، پیشی جوینده در امری بر دیگران، کسی که خواستار پیشی گرفتن و تقدم در نوبت^۲ است؛ «داوطلب» کسی است که به میل و اراده خود حاضر شود کاری را بر عهده بگیرد.^۳ در کلمات مترادف آن می‌توان به راغب و مرشح^۴ اشاره کرد.

چون حیطة‌ی بحث کنونی «إحراز صلاحیت داوطلبان» توسط شورای نگهبان است و مطابق اصل ۹۹ قانون اساسی، به موجب آن شورای نگهبان نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان رهبری، ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی را بر عهده دارد؛^۵ بنابراین «داوطلب» در این بحث عام نبوده و خاص این سه نهاد جمهوری اسلامی ایران می‌باشند.

لذا در این بحث در صدد اتخاذ قاعده و اساسی هستیم تا بتوانیم بر مبنای آن به تشخیص شایستگی و توانایی داوطلبین ورود به این نهادها بپردازیم و ضرورت اتخاذ آن قاعده را با ادله عقلی، شرعی و حقوقی به دست آوریم.

۱. همان، ص ۶۸.

۲. علی‌اکبر دهخدا، پیشین، ذیل واژه.

۳. حسن عمید، پیشین، ذیل واژه؛ محمد معین، پیشین، ذیل واژه.

۴. فرج الله خداپرستی، پیشین، ص ۶۳۳.

۵. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اداره تبلیغات و انتشارات، ۱۳۸۲ش، ص ۱۰۰.

۱,۳ پیشینه بحث

۱,۳,۱ عوامل القاء تشکیک «احراز صلاحیت»

عوامل بسیاری در ایجاد این بحث در ایران اسلامی و خصوصاً در مواقع حساس انتخابات مطرح است که در آن ایام اذهان جوانان و دانشجویان کشور را با طرح شبهه‌های مشوش کرده و قصد ایجاد لرزه در پایه‌های انقلاب تنومند اسلامی دارند و شورای نگهبانی که به تعبیر مقام معظم رهبری، بود و نبود آن، به معنای بود و نبود نظام اسلامی است؛^۱ مورد انواع افتراها و اهانت‌ها قرار می‌گیرد.

لذا ضروری است که به طور اختصار به عوامل ایجاد این ذهنیات و القائات در سطح جامعه بپردازیم تا ضمن عبرت‌گیری و روز افزون کردن بصیرت دینی، در مواقع حساس بتوانیم از جایگاه شورای نگهبان در اذهان خود و جامعه محافظت کنیم چرا که امام خمینی (۱) فرمودند:

«اگر شما این طایفه (شورای نگهبان) را حفظ نکنید، بدانید که سرنوشت شما سرنوشت زمان مشروطه خواهد شد».^۲

عوامل موثر در تضعیف وجهه‌ی شورای نگهبان را به دو عامل بیرونی و درونی تقسیم می‌شود:

• عوامل بیرونی (خارج از نظام جمهوری اسلامی):

۱. تلاش معاندان انقلاب برای قانون‌گریزی و هرج و مرج در ایران اسلامی

۲. نفوذ دادن عناصر مخالف با اسلام در ارکان قانون‌گذاری^۳

۳. انحراف دین و نظام اسلامی^۴ و...

• عوامل درونی (درون نظام جمهوری اسلامی):

۱. تلاش و فشار برخی جناح‌های سیاسی کشور برای سهم‌خواهی بیشتر از نظام اسلامی

۲. زیر سوال بردن صحت انتخابات و ایجاد آشوب و هرج و مرج در کشور جهت تغییر وضعیت در

نظام اسلامی و...

۱. مقام معظم رهبری در دیدار اعضای شورای نگهبان ۱۳۸۰/۰۷/۱۱، پیشین.

۲. امام خمینی، صحیفه نور، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، تهران، ۱۳۷۸ش، ج ۱۵، ص ۲۳۳.

۳. مقام معظم رهبری در جمع برخی از ناشران ۱۳۷۸/۰۲/۲۸، پیشین.

۴. مقام معظم رهبری در دیدار اعضای هیأت‌های نظارت شورای نگهبان ۱۳۷۴/۱۱/۱۴، همان.

۳,۲,۳، پیشینه احراز صلاحیت

انسان به طبیعت اولیه خود قانون گرا و جامعه گراست و نیاز به تشکیل مؤسسات مدنی دارد تا بتواند نیازهای فردی و اجتماعی خود را برطرف کند، یعنی اگر بخواهد انفرادی زندگی کند نمی‌تواند باقی بماند، بقای او به همین است که اجتماعی زندگی کند، اصلاً ساختمانش به گونه‌ای است که باید با کمک یکدیگر زندگی کنند.^۱ اصطلاح «مدنی الطبع»^۲ بودن از انسان شاهد این مدعا است و مسأله تشکیل حکومت نیز یک مسئله عقلایی است و قدمت آن به اندازه تاریخ بشر است و در تمامی مدل‌های مختلف حکومتی، همیشه مدیری بر جامعه بشری حکومت می‌کرده، لذا نیاز به حکومت و اصل حکومت یک امر عقلایی است که تمام عقلای عالم آن را قبول دارند و دین اسلام نیز این معنا را پذیرفته است.^۳

نیاز به «احراز صلاحیت» نیز چیزی نیست که فقط در قوانین نظام اسلامی ایران نهاده شده باشد بلکه از دیرباز حاکمان جوامع برای مسئولیت‌های مدنظر خود می‌بایست فرماندهان، والیان و امرای دارای صلاحیت را عهده‌دار مسئولیت می‌کردند، حال چه صلاحیت قومی، قبیله‌ای و چه صلاحیت دینی، سیاسی و اجتماعی؛ به هر حال تشخیص صلاحیت افراد برای تصدی امور، همزاد حکومت‌هاست و در تاریخ حکومت‌ها لزوم احراز صلاحیت برای وضع حاکمان، مشاوران، وزیران و افراد ذی نفوذ بدیهی بوده است.

این مطلب همانی است که در نظریه اجتماعی افلاطون یا «مدینه فاضله افلاطون» آمده است که زمام امور جامعه را چه افرادی باید در دست بگیرند و آن افراد باید دارای چه فضائل علمی و عملی باشند.^۴

۱. مرتضی مطهری، مجموعه آثار / استاد شهید مطهری، انتشارات صدرا، تهران، ج ۴، ص ۳۷۴؛ رک: سعد الدین تفتازانی، شرح المقاصد، ناشر الشریف الرضی، افست قم، ۱۴۰۹ ق، ج ۵، ص ۲۰؛ جعفر سبحانی، الإلهیات علی هدی الکتاب و السنه و العقل، مرکز العالمی للدراسات الإسلامیة، ۱۴۱۲ ق، ج ۳، ص ۲۳.

۲. رک: محمد مهدی شمس الدین، نظام الحکم و الاداره فی الاسلام، مؤسسه الدولیه للدراسات و النشر، بیروت، ۱۴۱۱ ق، ص ۳۹؛ علامه طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، قم ۱۴۱۷ ق، ج ۲ ص ۱۱۷؛ علامه حلی، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، مؤسسه النشر الإسلامی، قم، ۱۴۱۳ ق، ص ۳۴۷؛ جعفر سبحانی، پیشین.

۳. «وَ اِنَّهُ لَا بُدَّ لِلنَّاسِ مِنْ اَمِيْرٍ بَرٍّ اَوْ فَاجِرٍ»: محمد دشتی، ترجمه نهج البلاغه / امام علی (ع)، مؤسسه مشهور للطباعه و النشر، قم، ۱۴۲۱ ق، خطبه ۴۰، ص ۹۳.

۴. رک: مرتضی مطهری، پیشین، ج ۲۴، ص ۴۸۶.